شهرآرا
روزنامه شهرامید وزندگی
۲شنبه
۲۹ دی ۱۳۹۹
۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲
شماره ۳۳۰۲
SHAHRARANEWS.IR

این چه کاری بود آقای ساعی؟

نیم‌نگاهی به حاشیه‌های هادی ساعی در خانه تکواندو

روایت روز

محبوبه عظیم زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

ماجرا را از هر طرف که نگاه کنیم کسل کننده است و مملو از حاشیه و رفتارهای غیرحرفه‌ای. یک‌طرف قهرمان المپیک و مدال‌آور عرصه تکواندو ایستاده است و طرف دیگر نایب‌رئیس سازمان لیگ تکواندو. این میان داستانی که این روزها نقل دهان‌ها شده است، درگیری فیزیکی این ۲، یعنی هادی ساعی و مصطفی بابایی است. اتفاقی که در حاشیه رقابت‌های نوزدهمین دوره لیگ برتر تکواندو رخ داد و در فضای مجازی با عنوان «سیلی هادی ساعی به گوش نایب‌رئیس سازمان لیگ تکواندو» داغ شد. خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مختلف به‌سرعت به این موضوع پرداختند و علت این واکنش ساعی را خیرمقدم‌نگفتن مسئولان برگزاری به او دانستند، علتی که برای خیلی از مردم و کاربرانی که پیگیر این موضوع بودند، زیادی عجیب‌وغریب بود.

بزرگ‌نمایی بود؟

بعد از این جنجال، هادی ساعی در چند مصاحبه‌از جمله در صحبت‌هایش در شبکه خبر صداوسیما سعی کرد با توضیح و تفسیر بیشتر، این ماجرا را روشن‌تر کند. گفته‌هایی که از اتفاقات پیرامونی زیادی خبر داشت، اما در مجموع توجیه مناسب و همراه با قطعیتی برای ظهور و بروز چنین حرکتی از سوی او نبود. او در جایی می گوید: «داستان چک‌زدن بزرگ‌نمایی است». جای دیگری در مقابل سؤال خبرنگار مبنی بر رد یا تأیید این قضیه، جواب قاطعی نمی‌دهد و فقط بیان می کند: «من با ایشان بحث کردم. سر ایشان داد زدم. ناراحت هم بودم، اما ناراحتی من سر چیز دیگری هم بود.» و در مرتبه‌ای دیگر می گوید: «از بابایی بابت اتفاقات رخ‌داده عذرخواهی کرده‌ام». ساعی که تا همین چند وقت پیش وقتی هنوز پایش به شورای شهر و فضای سیاسی باز نشده بود، همه او را به‌دلیل آوازه‌بخشیدن به‌نام «ایران» و بالابردن پرچم کشورمان می‌شناختند، در مصاحبه خود با شبکه خبر از این گفت که این اتفاق‌ها، اتفاق‌هایی نیست که متعلق به امروز و دیروز باشد و یک منشأ خیلی بزرگ و قدیمی دارد. نکته‌ای که چندان دور از انتظار هم نبود. او همچنین از این گفت که: «دوستان جاهایی رو که به نفعشون بود گفتن و برخی موارد رو واقعی نگفتن». هادی ساعی در ادامه از حاشیه‌های زیادی گفت که هم‌زمان با برگزاری مسابقات رخ داده بود، از اینکه انتظار نداشته است کسی به او خیرمقدم بگوید، دوست نداشته است در وی‌آی‌پی بنشیند و این مسائل را پیش از این هم بارها مطرح کرده است. علاوه بر این نکته‌ها، به گفته خودش تحویل تست کرونا برای ورود به سالن و هماهنگی‌هایی که باید با او می‌شده است و برخی اتفاقات پیرامونی دیگر در مسابقه دانشگاه آزاد و پارسیان البرز هم، تنش‌های بیشتری را ایجاد کرده بود.

همه دیدند چه اتفاقی افتاد

بابایی هم به‌عنوان طرف دیگر این ماجرا توضیحاتی را دراین‌زمینه بیان کرد: «ما در اتفاقات رخ‌داده دخیل نبودیم، اما ایشان از اینکه خیرمقدم بلندگوی سالن به او به‌عنوان مدیر فنی تیم فرمانیه دیر انجام شده است، ناراحت بود». او برخلاف حرف ساعی که مدعی بود او به‌عنوان دبیر و مسئول برگزاری مسابقات، دست‌اندرکار اصلی اتفاقاتی است که رخ می‌دهد، گفت که حتی گوینده و کسی که دستور خیرمقدم را بابت حضور ایشان در سالن داد نیز من نبودم: «برای ساعی این سوءتفاهم پیش آمده است که من با ایشان زاویه دارم». مصطفی بابایی درباره اینکه آیا واقعا برخورد فیزیکی شده است یا نه، گفت: «اتفاقات رخ‌داده و برخورد فیزیکی ایشان با من را همه دیدند و این در حالی است که من هیچ گونه بی‌احترامی به ایشان نکردم».

یک سال محرومیت و ۱۰میلیون تومان جریمه

درنهایت و بعد از همه این جنجال‌ها، با اعلام کمیته قضایی فدراسیون تکواندو، هادی ساعی به‌مدت یک سال از حضور در مسابقات لیگ تکواندو، قهرمانی کشور و خانه تکواندو محروم شد. به گفته مجید ناظمی، دبیر کمیته انضباطی فدراسیون تکواندو، ساعی باید جریمه نقدی ۱۰ میلیون تومانی را هم بپردازد. اتفاق عجیب دیگر این حکم این بود که حضور ساعی در مسابقات انتخابی تیم‌ملی و تمرینات تیمش بلامانع است. نکته‌ای که ساعی درباره آن گفت: «هر تصمیمی که گرفتند قبول می کنم و احترام می گذارم. اما آیا کسانی هستند که این دوستان را هم به‌علت تخلف بزرگی که انجام دادند، توبیخ کنند؟»

پهلوان نه قهرمان

همان‌طور که انتظار می‌رفت، این داستان هم موجی از واکنش‌های مردمی را به‌دنبال داشت. عده‌ای از اینکه سر یک مسئله جزئی چنین چالشی به وجود آمده باشد، ابراز تعجب کردند و نوشتند: «معلومه که این جوری نبوده.» یا «زود قضاوت نکنیم.» برخی دیگر از در حمایت از ساعی وارد شدند و گفتند: «هادی ساعی یه زمانی جزو بهترین قهرمانان ملی بود و غرورآفرینی می کرد. باید بیشتر قدر قهرمانانمون رو بدونیم.» و عده‌ای دقیقا از موضعی دیگر به این داستان نگاه کردند: «ورزش کار زیاده، ولی دلیل نمی شه پهلوان هم باشن. پهلوان کسیه که در عین قدرتی که در انجام کاری داره، از انجام اون چشم‌پوشی کنه.» در این میان عده‌ای هم بودند که سعی کردند نگاه بی‌طرفانه و منطقی‌تری به این ماجرا داشته باشند. اینکه فارغ از اینکه اصل داستان چیست و حق با کدام یک از ۲طرف بوده است، ای کاش در مجامع و محافلی که جدا از ابعاد شخصی، جنبه‌های عمومی و ملی آن هم پررنگ است، کمی سعه صدر بیشتری وجود داشته باشد تا بروز یک رفتار آنی از سر خشم، نه وجهه و اعتبار کسی را زیر سؤال ببرد و نه توضیح و تفصیل‌های طولانی و توجیه کننده بعد از آن را بطلبد.

Tweets

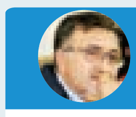

سعید مالکی | روزنامه‌نگار
@saeedmaaleki

به‌نظر می‌رسد واکسن مشترک ایران و کوبا از جمله بهترین‌های جهان خواهد بود.

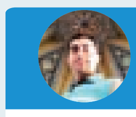

بهنام صمدی | خبرنگار اقتصادی
@behnamsamadi_ir

شما رو نمی دونم، اما برای من تصور اینکه بخوام توی گرمای ۳۵ تا ۴۰درجه ماسک بزنم، شبیه کابوسه! امیدوارم ریشه این کرونا تا خرداد۱۴۰۰ خشکونده بشه.

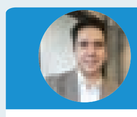

علی احمدلو | فعال توئیتری
@aliahmadlou

به‌ظاهرهدف امسال بورس بی‌اعتبارکردن بیشترتحلیلگرها و قدیمی‌ها بود. اون‌موقعی که می‌گفتن آقا/خانم فلان سهم رو نخرید، دیگه بالا نمی‌ره و حبابه و می‌ریزه، سهم بی‌وقفه بالا می‌رفت. الان هم می‌گن آقا/خانم فلان سهم رو نفروشید، ارزنده است. سهم هم نامردی نمی‌کنه، هر روز منفی می‌خوره!

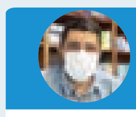

سیدامیر سیاح | فعال توئیتری
@3eyedamir

کافی بود یک نفر اشاره کند #بیت_کورن نیست، بیت کوینه، حتما بلافاصله اشتباه سهوی‌رو اصلاح می‌کرد، اما نزدیک ۳ساله داریم فریاد می‌زنیم، دلیل و مدرک می‌آریم که #دلار۴۲۰۰ داره نصیب رانت‌خوارا می‌شه و انگار نه انگار.

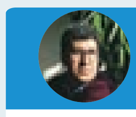

هیوا یوسفی | روزنامه‌نگار
@YouHiwa

اینکه مایکل فلپس افسانه‌ای با ۲۳ طلای المپیک و ۲۶ طلای جهانی، در۳۵ سالگی افسردگی می‌گیره، یعنی یه جای کار بشر بدلنگ می‌زنه.

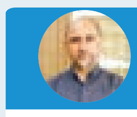

سعید بیابانکی | شاعر و طنزپرداز
@sbiabanaki47

ترکیب «بیت‌کوین» و«پاپ‌کورن» می‌شه: «بیت‌کورن»!

جدول شماره: ۳۱۲۲

طراح: محمدرضا علیزاده

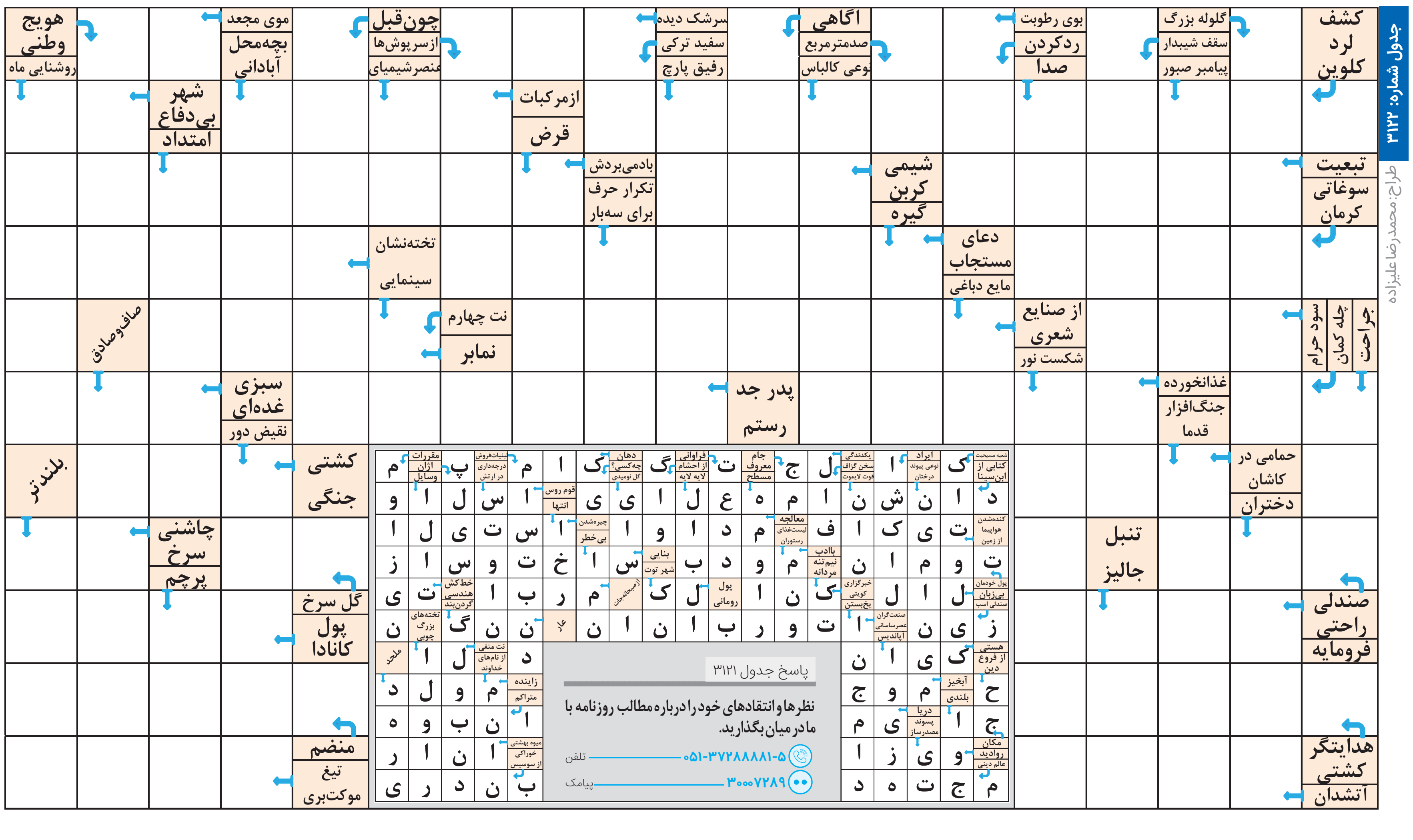

نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما درمیان بگذارید.

تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹

بازگشت قهرمان

جمشید هاشم‌پور با بازی در ۶فیلم پرکارترین بازیگر جشنواره فجر امسال است

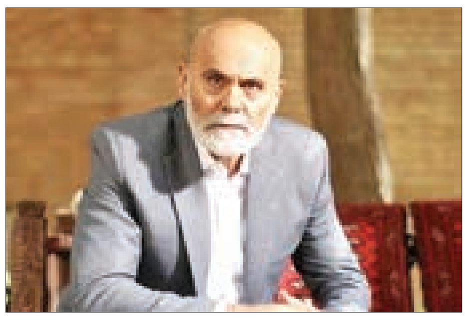

محمدناصر حق‌خواه
Mn.haghkhah@shahraranews.ir

در سینمای دهه ۶۰ ایران، چاپ تصویر سوپراستارهای کم‌تعداد آن روزها روی جلد مجلات کاری نامعمول بود، نه خبری از بیلبوردهای بزرگ و بی‌شمار در شهرها بود و نه امکانی مثل شبکه‌های اجتماعی وجود داشت که بازیگران بتوانند مستقیم و بدون واسطه با مخاطبانشان در ارتباط باشند. راه دیده‌شدن هم فقط تلویزیون و آن‌هم در برنامه‌های خاص عیدانه بود. در آن سال‌ها سوپراستاری مثل جمشید هاشم‌پور بدون امکانات این دوره، یک‌تنه پرفروش‌ترین فیلم‌های آن دوره را بازی کرد و حضورش در هر اثری مساوی با شلوغ‌شدن سالن‌های سینما بود. یکی از ۳فیلم پرفروش تاریخ سینما از نظر تعداد فروش بلیت و طولانی‌ترین اکران بعد از انقلاب هم متعلق به یکی از فیلم‌های جمشید هاشم‌پور بود به‌نام «عقاب‌ها». اما در همان دوره اوج هم معلوم بود بازیگری که بسیاری از نقش‌ها را با تکیه بر توان جسمی به ثمر می‌رساند و به بازی در فیلم‌های اکشن و پر از صحنه‌های تعقیب و گریز و تیراندازی و مبارزه معروف شده بود، پس از گذشت چند سال یا باید شکل بازی‌اش را عوض کند یا از دور سینما کنار گذاشته خواهد شد. اتفاقی که افتاد و از اواسط دهه ۷۰ تا همین روزها، جمشید هاشم‌پور بسیار گزیده‌کار شد و نقش‌هایی معمولا کوتاه و مناسب با سن‌وسالش را انتخاب می‌کرد. در این دوره چندین‌بار برای فیلم‌هایی که بازی کرده بود نامزد دریافت سیمرغ شد، اما به‌جز یک دیپلم افتخار چیزی به هاشم‌پور نرسید و با وجود اعتراض دسته‌جمعی هنرمندان به جایزه نبردن او برای بازی درخشانش در «قارچ سمی»، او هیچ مصاحبه یا واکنش خاصی نداشت تا اینکه در سال ۹۶ برای فیلم «دار کوب»، سیمرغ بلورین جشنواره فجر را دریافت کرد. سیمرغی که بیشتر از اهمیت درخشش او در نقشش، به‌نوعی تقدیر از یک عمر فعالیت هنری برای بازیگری بود که سال‌ها چرخ اقتصادی سینما را گردانده است. اما در همه این سال‌ها همان‌طور که هاشم‌پور درباره جایزه‌گرفتن و نگرفتنش جنجالی نساخت، در هیچ مسئله حاشیه‌ای و غیرحاشیه‌ای دیگری هم حضور پررنگی نداشت و با وجود یدک‌کشیدن لقب اولین سوپراستار سینمای بعد از انقلاب، هم‌چنان حرفه‌ای و کم‌حاشیه ماند. هاشم‌پور که در سال‌های اوج و به سیاق سوپراستارهای سینما به مصاحبه تصویری تن نمی‌داد، در این سال‌ها با خبرنگارانی که او را درحاشیه جشنواره‌ها یا محافل سینمایی پیدا می‌کنند، صحبت می‌کند، اما بازهم به زدن حرف‌های نامربوط به رشته‌اش تن نمی‌دهد و صحبت‌هایش بیشتر درباره مسائل صنفی و شکایت از بی‌رحمی سینما و کنارماندن افراد پیشکسوت است. جمشید هاشم‌پور صفحه‌ای در اینستاگرام دارد که فقط ۱۰۰هزار دنبال‌کننده دارد و فقط و فقط برای اعلام کارها و تبلیغ فیلم و سریال‌های اوست و در آن هیچ‌چیز شخصی یا حتی عکسی غیر از عکس فیلم‌هایش نمی‌بینیم. امسال اما سال خاصی برای جمشیدهاشم‌پور است. او در آستانه هفتادوهفت‌سالگی با داشتن ۶فیلم در جشنواره فجر پرکارترین بازیگر امسال است، درحالی‌که حتی در روزهای اوجش بیش از سه‌چهار کار در یک سال بازی نکرده بود. این شروع دوباره در آستانه دهه نهم زندگی، هم خبر مهمی در شبکه‌های اجتماعی بود و هم بازخوردهای زیادی داشت. کاربران زیر پست این خبر به ۲دسته تقسیم شده بودند، بخشی از نسل نوجوان که اصلا او را درست نمی‌شناختند و نظرهایی گذاشته بودند مثل این: «چقدر این مرده همه‌جا هست جدیدا! توی آقازده هم بود» و دسته دیگری که سال‌ها با هاشم‌پور خاطره داشتند و زیر این خبر ابراز خوش‌حالی کرده بودند، شاید برای قهرمان سال‌های دور سینما، بهترین نظری که نشان می‌داد مردم او را فراموش نکرده‌اند، این باشد: «قهرمان روزهای بچگی‌م، خوش‌برگشتی...»

سودوکو

شماره ۱۳

۷	۸				۳	۲	۴	
۵	۱		۲		۴	۷	۸	۹
۴	۲	۹	۷	۵	۸		۱	
۲	۴		۶	۷	۱	۵	۹	۳
۶		۵					۲	
	۳		۵	۴			۶	
				۲	۵		۳	
۸			۳	۹				
۳	۶	۲	۱		۷	۹	۵	۴

پاسخ شماره ۱۳

۷	۸	۱	۶	۹	۳	۲	۴	۵
۵	۱	۳	۲	۶	۴	۷	۸	۹
۴	۲	۹	۷	۵	۸	۳	۱	۶
۲	۴	۸	۶	۷	۱	۵	۹	۳
۶	۷	۵	۸	۳	۹	۴	۲	۱
۹	۳	۱	۵	۴	۲	۸	۶	۷
۱	۹	۷	۴	۲	۵	۶	۳	۸
۸	۵	۴	۳	۹	۶	۱	۷	۲
۳	۶	۲	۱	۸	۷	۹	۵	۴

با هم بشنویم
دوست دارم
خواننده:
بابک جهانبخش
تنظیم‌کننده:
هومن آزما
ترانه‌سرا:
بابک جهانبخش